

# بنام خداوند جان و خرد

بنام خداوند جان و خرد  
کزین برتر اندیشه برنگذرد  
خداوند نام و خداوند جای  
خداوند روزی ده رهنمای  
خداوند کیهان و گردان سپهر  
فروزنده ماه و ناهید و مهر

وزارت اطلاعات و فرهنگ  
تعمیرات

۴۷۵۹۹



دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی  
گروه فرهنگ و زبانهای باستانی

### پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته  
فرهنگ و زبانهای باستانی

### عنوان :

بررسی روایات اوستایی و پهلوی درباره منجیان زرتشتی  
(سوشیانسها)

۱۳۸۲ / ۴ / ۲۰

### استاد راهنما :

آقای دکتر بهمن سرکاراتی

### استاد مشاور :

خانم دکتر مهری باقری

### پژوهشگر :

ایرج دلفانی

بهار ۸۲

سرزاد طاعتی در آن علم ایران  
تمسک به آرزو

## سپاسگزاری :

درود و سپاس باد بر استادان عزیز ایران زمین مان :

استاد بزرگ و مهربان آقای دکتر بهمن سرکاراتی ، که امیدوارم همیشه برای فرزندان این دیار دیرین زنده و پاینده باشند و استاد سرکار خانم دکتر مهری باقری که در طول این دوره برای بنده و همه شاگردانش ، مادری دلسوز و آموزگاری فداکار بوده و هستند و همچنین استاد ارجمند آقای دکتر چنگیز- مولا بی که زحمات تمامی گروه بر دوش ایشان بوده و هیچگاه از هیچ کمکی دریغ ننموده اند.

ایرج دلفانی

اردیبهشت ۱۳۸۲

تقدیم بہ :

**یادگار مادر بزرگم**

**لیلا**

نام خانوادگی دانشجو : دلفانی	نام : ایرج
عنوان پایان نامه : بررسی روایات اوستایی و پهلوی درباره منجیان زردشتی (سوشیانسها)	
استاد راهنما : آقای دکتر بهمن سرکاراتی استاد مشاور : خانم دکتر مهری باقری	
مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد دانشگاه : دانشگاه تبریز تاریخ فارغ التحصیلی : اردیبهشت ۸۲	رشته : فرهنگ و زبانهای باستانی دانشکده : ادبیات و زبانهای خارجی تعداد صفحات : ۱۴۸
کلید واژه ها : موعود ، رستاخیز	
<p style="text-align: center;"><b>چکیده :</b></p> <p>در این رساله ، اندیشه نجات بخشی و پایان کار جهان و مطالب مربوط بدان از دیدگاه آیین زردشتی و با استناد به متون دینی : کتاب اوستا ، متون فارسی میانه و متون روایتی زردشتی بررسی شده است . در لابلای متون بررسی شده سعی بر آن شده که چهره نجات بخشان ، ویژگیهای آنان و نشانه های ظهور ، قیام ، حرکت ، پایان کار آنها ، به انجام رسانیدن رستاخیز و تن پسین و تصویری از جهان آرمانی پایانی که با آمدن آخرین موعود ( سو شیانس ) شکل می گیرد، استخراج گردد .</p> <p>با توجه به گذر و فاصله زمانی ما بین متون بررسی شده ، ناگزیر باید انتظار اختلافات و تحولاتی در شکل گیری اندیشه "موعود" را در دین زردشتی داشت ، لذا تک تک این متون دینی از قدیمی ترین آنها یعنی اوستای گاهانی تا اوستای جدید و سپس متون فارسی میانه دوره ساسانی مورد بررسی دقیق و کلی قرار گرفته تا شاید سیر تحول تاریخی این اندیشه را تا حد امکان روشن ساخته و عقیده زردشتیان منتظر موعود را بر همگان آشکارتر نماید .</p>	

## ادامه چکیده:

زردشتیان اعتقاد داشته که عمر جهان مادی نه هزار سال است که به سه دوره سه هزارساله تقسیم شده است. آخرین دوره یا سه هزار ساله آخر اهمیتی ویژه دارد و مهمترین زمان کارزار اهریمن و هرمزد است. در پایان این دوره است که سرنوشت نیکی و بدی آشکار می‌گردد. زردشت در ابتدای این دوره برای هدایت بشر و ایجاد تمهیدات لازم به جهت شکست اهریمن از سوی اهورا مزدا برگزیده شده است، برای اینکه انسانها وظیفه اصلیشان را که یاری رساندن به اهورامزدا و افزودن به توان و نیروی اوست فراموش نکنند، در پایان هر هزار سال اهورا مزدا یک منجی برای هدایت و نوگری جهان فرسوده روانه میکند تا بار دیگر آیین دینداری و رستگاری را برای مردم بازگوید و سوالات به روز زمانه را پاسخ گوید. تعداد این منجیان در این دوره سه هزار ساله سه نفر خواهند بود که از فرزندان زردشتند و به گونه‌ای اعجاز برانگیز به دنیا خواهند آمد، بدین صورت که نطفه زردشت در سه نوبت توسط همسر وی در دریاچه ای ( = کیانسه ) به آب و ایزد آب، ایزد بانو ناهید سپرده شده است که از آن نطفه ها ۹۹۹۹۹ فروهر مردان مقدس، پاسبانی می‌کنند تا در زمان مناسب و از پیش تعیین شده بدنیا آیند و امور جهانی را بدست گیرند.

سی سال مانده به اتمام هزاره زردشت دوشیزه ای پانزده ساله در آب آن دریاچه آبنتی خواهد کرد و معجزه وار از نطفه زردشت باردار می‌گردد، نخستین موعود " هوشیدر " از او تولد می‌یابد، در سی سالگی به دیدار هرمزد مشرف میگردد و به نشانه آمدنش خورشید ده شبانه روز در وسط آسمان می‌ایستد، کار او که از ابتدای هزاره دوم شروع می‌شود، رواج دوباره دین بهی است. بی نظمی و بی دینی تا مدتی از جهان رخت برمی بندد ولی با گذشت زمان و در اواخر هزاره او از نو آیین زردشتی رو به فراموشی می‌نهد و به همین دلیل الزام به آمدن منجی دوم پیش می‌آید او نیز همانند نجاتبخش اولی از همان آب و از نطفه زردشت تولد می‌یابد بعد از سی سالگی به دیدار و گفتگوی با اهورا مزدا نایل می‌شود، خورشید به نشانه آمدنش این بار بیست شبانروز در وسط آسمان می‌ماند. وی بار دیگر دین و آیین راستی را در زمین رواج خواهد داد، ولی باز هم نیروهای شر مردمان را گمراه کرده و فساد را بدیشان به ارمغان می‌برد. در پایان این هزاره اهریمن، ضحاک را که در بند کوه دماوند است بیدار و

### ادامه چکیده:

تشویق به حمله ور شدن به خلقت هرزودی می نماید ، بدین ترتیب با آمدن و آزار ضحاک بار دیگر بی دادی و دروغ بر جهان مستولی می شود ، پس بار دیگر و برای آخرین بار موعودی بنام سوشیانس که بسان دو موعود ذکر شده تولد یافته، وظیفه بزرگ و خطیر رستاخیز را بر عهده می گیرد او مردگان را از نو زنده می کند و همه را به داوری نهایی می برد ، در آن روز بدکاران از خوبان جدا می شوند و با تن و جسم به بهشت و دوزخ روانه می گردند ، پاداش و پادافراشان تنها در سه روز است سپس همه انسانها از آزمایش فلز گداخته عبور کرده و همگی پاک می شوند .

از سوی دیگر ، مهمترین کاری که در آخر زمان شکل می گیرد آن است که هر مزد به کمک امشاسپندان (= نامیرایان مقدس ) ، ایزدان ، روانهای نیکان و دیگر کارگزاران قیامت اهریمن و یارانش را در نبرد نهایی و برای همیشه شکست داده و از بین میبرند . زان سپس مردمان بدون نگرانی از مرگ و پیری ، بدون احساس و احتیاج به نیازمندی در آرامش و آسایش ابدی بسر خواهند برد .

Handwritten notes and signatures at the bottom of the page, including a signature on the right and some scribbles on the left.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۱	مقدمه
۵	بررسی منابع
۸	پیشینه پژوهش
۹	روش کار
۱۰	کوتاه نوشتها
۱۱	فصل اول : اوستا
۱۱	۱-۱-۱ اوستای قدیم
۲۰	۱-۱-۲ اوستای جدید
۲۰	۲-۱-۱ یسنا
۲۷	۲-۲-۱ یشتها
۲۷	الف- زامیاد یشت
۳۳	ب- فروردین یشت
۳۷	پ- سروش یشت
۳۸	۲-۳-۱ ویسپرد
۴۱	۲-۴-۱ وندیداد



صفحه	عنوان
۴۲	فصل دوم : متون فارسی میانه و متون روایتی زردشتی
۴۲	متون فارسی میانه
۴۲	۱-۱- متون فارسی میانه
۶۳	۱-۲- بندهش
۷۴	۱-۳- دینکرد
۷۹	۱-۴- روایت پهلوی
۹۶	۱-۵- گزیده‌های زادسپرم
۱۰۳	۱-۶- مینوی خرد
۱۰۷	۱-۷- ماه فروردین روز خرداد
۱۱۰	متون روایتی زردشتی
۱۱۰	۲-۱- صدر بندهش
۱۱۷	۲-۲- بندهش هندی
۱۲۳	۲-۳- یادگار جاماسپ
۱۳۰	فصل سوم : نتیجه گیری کلی
۱۳۰	موعودهای زرتشتی
۱۳۹	سرانجام کار در دین زرتشتی
۱۴۲	چکیده انگلیسی (Abstract)
۱۴۵	فهرست منابع و ماخذ

## مقدمه

بشر رنج‌دیده و میرنده از دیر زمان آرزوی جهانی را در ذهن پروانده که در آن هیچ‌گونه زوال و نابودی و مرگ نبوده و جامعه آن بر مردمانش سخت نگیرد، دروغ و نقصان، پلیدی و اهریمنی بر آن حکمفرما نباشد، لذا بشر سرگردان، سرگردان از این همه سؤال و بیهودگی و ضعف، به محض پیدایی طرح و اندیشه رستاخیز و جاودانگی از سوی زردشت به این خواست و تفکر بشری، دلبستگی خاص پیدا کرده و به آن خو گرفته است و به امید آمدن روزی ناگریز و حتمی زندگی می‌کند تا که پاسخ نهایی سؤالاتش را از طریق وعده‌های دینی گرفته باشد. از دیدگاه دین و شخص زردشت آدمی را مقصدی شکوهمند و آرمانی مجلل در پیش است که در اتحاد با خداوند به آن دست می‌یابد. وی درد و غم آدمی را به گونه‌ای معقولانه توجیه کرده، انبوه مصیبت و بلاهایی را که انسان با آن دست و پنجه نرم می‌کند، از جانب اهریمن می‌داند، هر آنچه را که رنگ و بوی پلیدی دارد از اهریمن دانسته و به او نسبت می‌دهد. پیامبر سرنوشت واقعی جهان را ختم به خوبی و نیکی آسمانی می‌داند، مژده می‌دهد به همه انسانها که خلقت بی حساب و کتاب نیست، فرجام کار را تعیین و پیش‌گویی نموده است، جهانیان را به آمدن روز نهایی و داوری کاملاً بی طرفانه آسمانی نوید داده است. عمر گیتی را که با نیروها و

خلقتهای اهریمنی آلوده شده است مشخص کرده و پالودگی و تطهیر این آلودگی را جز با آمدن منجی آخر الزمان، نجات بخشی که پیشاپیش خبر آمدنش را داده، ممکن نمی‌داند. نجات بخشی که در نا امیدیاها را برای همیشه خواهد بست و دنیایی شکوهمند را بر روی همه نأمیدان خواهد گشود.

و اما انسان، اوست که نقش و محور اصلی داستان زندگی را بازی می‌کند، در پیکار بزرگ کیهانی که بس حساس و خطیر است، سرنوشت ساز اصلی اوست، او می‌باید در این نبرد هولناک کیهانی پیروز بدر آید و بدی را با رها کردنش، نابود سازد. غلبه او بر اهریمن به معنی غلبه بر مرگ و نیستی است و با نابودی بدی و مرگ، جاودانگی و حاکمیت مطلق خیر شکل می‌گیرد و زندگی سرشار از شادی همیشه پایدار، گسترده و فراگیر خواهد شد، انسانها در سروری جاودان و فروغی بی پایان خواهند زیست، در آشتی و صلحی مدام خواهند آرمید، اتصال و اتحادی مستحکم با اراده و وجود خداوندی خواهند داشت و از آنچنان سعادت بر خوردار خواهند شد که زبان و خرد بشر امروزی از باز گویی و تصور آن ناتوان است. پیشگویی یا خبر از آینده دادن در آثار باقیمانده روزگار به ادبیات مکاشفه‌ای<sup>۱</sup> معروف است مطابق این گونه آثار تاریخ حیات بشر در

---

۱. Apocalyptic.

گذشته و آینده را معمولاً شخص صاحب کرامت و یا موجودی آسمانی پیش بینی می‌کند. مکتب و سنت پیشگویی ایرانی به دورانی بس کهن و پیش از زردشت می‌رسد، در روزگاران باستان مردمان می‌پنداشتند که در آغاز، عصری طلایی بر زمین حاکم بوده است و با گذشت زمان آدمی مدام از آن قله سعادت و رفاه دور شده و به ژرفای رنج و غمهای امروزی رسیده است. این اعتقاد در جهان بینی کهن ایرانی قبل از زردشت چنان ریشه دار بود که زردشت نیز آن را پذیرفته و خود به نحوی پایه گذار نوعی از ادبیات مکاشفهای بوده است، مؤبدان زردشتی نیز بعدها ابداعاتی را بر این مکاشفه افزوده، معتقدات خود را درباره فاموس گیتی، آینده و پایان جهان در متون دینی زرتشتی بازگو کرده‌اند. مطابق این معتقدات همواره کشمکش سخت میان نیروهای خیر و شر قبل از آمدن موعودها در طی زمانی سه هزار ساله جریان دارد. گاهی بدی بر نیکی غلبه می‌کند و گاه عکس آن اتفاق می‌افتد. در پایان هر یک از سه هزاره سال آخر عمر جهان، یکی از منجیان موعود زرتشتی ظهور خواهد کرد و به اصلاح کار جهان کوشش خواهد کرد که از غلبه شر به خیر جلوگیری کند. عمر جهانی که بر پایه سه دوره (نیکی، ویرانی و بازسازی) بنا شده در پایان سه هزار ساله آخر نیز این الگو سه بار تکرار می‌شود، نیکی به ارمغان آورده شده زردشت به سوی ویرانی پیش خواهد رفت. پس این اولین موعود

«هوشیدر» است که آنرا بازسازی و نو می‌کند. اما نیکی و باز ساخته‌ او نیز با بدی خواهد  
آغشت، پس هوشیدر ماه «دومین منجی» پاکساز و سود رساننده خواهد بود و نیکی و  
راستی را تا مدتی پایدار خواهد ساخت، اما نیکی آورده شده‌ او نیز در پایان هزاره‌اش کم  
رنگ و بی فروغ خواهد شد. آخرین موعود زردشتی «سوشیانس» خواهد بود. او با  
سلاحی بر دست بازسازی نهایی جهانی را به اتمام خواهد رساند، بازسازی که  
برگردانی خواهد بود از گونه‌ دوران آغازین آفرینش<sup>۱</sup>! صورتی نو از یک نوع گیتی نو  
ساخته که استحکامی ابدی خواهد داشت، شرارت و پلیدی از آن بدور است و اهورا مزدا  
و انسانها همگی بر آن حاکمند.

ایرج دلفانی

فروردین ۸۲

---

<sup>۱</sup> - در آغاز پنداشته می‌شد که عصری طلایی بر زمین حاکم بوده که با یورش اهریمن با پلیدی  
آمیخته شده در بازسازی آخر (فرشگرد) این الگو و بازگردانی تکرار خواهد شد. منتها چون بدی  
بکلی از گیتی رخت برخواهد بست پس این جهان جدید کاملاً دوست داشتنی و خواستنی خواهد  
بود و هرمزد مطلق و توانا و فارغ از فریب اهریمن است. (نک. بویس «تاریخ کیش زرتشت»،  
فصل ۱۱، ص ۳۹۲)

## بررسی منابع

یکی از ویژگیهای مشترک در تمامی کتب آسمانی، شکل راز و رمز آمیز بودن متنهای آنها و داشتن ابهام و ایجاز در بندهای کوتاه آنهاست که به ادبیات و شیوه خاص خود نوشته شده‌اند این ابهامات و ویژگیها که در اوستا نیز مشهود است، سبب گردیده تا محققین و مفسرین برداشتهایی مختلف و گاه متناقضی از این متنها داشته باشند. کماکان این رساله نیز با این مشکل مواجه است و در فصل اول آن از بندهایی استفاده شده که همگی از کتاب مقدس زردشتیان "اوستا"، ترجمه و تفسیر شده است. بخش اول فصل اول به جهت استفاده از بخش کهن‌تر اوستا (= گاهان) مشکل ابهام آن دو چندان احساس می‌شود زیرا که گاهان کهنترین بخش از کتاب اوستا است و سخنان خود پیامبر (= زردشت) می‌باشد، کهنگی زبان متن با ابهامات آن درهم آمیخته و همین امر سبب گردیده تا تفاسیر گوناگونی برای آن ارائه گردد. اما و بهرحال، پژوهشگر سعی بر آن داشته که تفاسیری را بکار ببندد که در منابع معتبری آمده است. ترجمه‌های بکار رفته در فصل اول رساله همگی از نسکهای اوستای ترجمه شده استاد پورداود است که برای برداشتی روشنتر همان ترجمه‌ها را از کتابی دیگر (= دوستخواه «اوستا») عیناً در پاورقیها آورده است. (نک. فهرست منابع و مأخذ)

بخش بعدی فصل اول برداشتی است از دیگر نسکهای<sup>۱</sup> اوستای غیر گاهانی یا جدید که در بین این نسکها یسنا و یشتها<sup>۲</sup> بیشترین مطالب را پیرامون موعودان دارند که هر کدام در قسمتهای مجزا مورد بحث قرار گرفته شده‌اند، دویشت زامیاد و فروردین

۱- "نسک" به معنی کتاب می‌باشد. اوستا شامل ۲۱ نسک بوده که ۵ نسک آن باقیمانده است.

۲- یسنا و یشتها، دو نسک باقیمانده از اوستا هستند که به معنی جشن می‌باشند.

یشت، مطالبی را دربر گرفته‌اند که تنها مدارک باقیمانده از اوستاست که سیر تحولی موضوع موعود را تا حدودی روشن میکنند.

فصل دوم این رساله بررسی متون فارسی میانه و متون روایتی زردشتی است که علیرغم اختلاف زمانی که دارند ولی در حیث مجموع همداستانند و بیشتر در جزئیات اختلافاتی با هم دارند. در این متون از دو موعود که مقدم بر سوشیانس می‌آیند و اینکه چگونه زمام امور را به دست می‌گیرند و به اوضاع دینی سامان می‌بخشند و ... سخنانی به میان آمده است که در هیچ جای اوستا بجز اسمی از این دو موعود که در بند ۱۲۸ فروردین یشت آمده است مطلب دیگری به چشم نمی‌خورد، اگر چه از ترجمه دینکرد چنین برمی‌آید که نسکی از نسکهای مفقود شده اوستا منحصرأ راجع به موعودها بوده است. این نسک که بامداد نسک یا سودگرنسک<sup>۱</sup> نام داشته است متأسفانه از بین رفته است و همین امر موجب جهشی در سیر تحولی اندیشه موعود گردیده است.

فصل دوم رساله، متون روایتی زردشتی و فارسی میانه را بررسی کرده است که در بین متون بررسی شده ظاهراً دینکرد و بندهش، مطالب اوستا را شرح و تفسیر کرده‌اند این دو متن که قدمت زمانی یکسانی دارند، در اواخر قرن سوم هجری تألیف گردیده‌اند، در پاره‌ای از توضیحاتشان کاملاً متشابهند. کتاب زند بهمن یسن که گسترده‌تر از دیگر نوشته‌های متون فارسی است دارای ریزه‌کاریهای فراوان و مفیدی است که نثری داستان پردازانه دارد بهمین خاطر، بیشتر از همه متون فارسی میانه مورد توجه پژوهشگر بوده است و مقدمه‌ای را قبل از بررسی آن بر آن نوشته است.

۱- sudgar nask - نک: پورداود «سوشیانس» ص ۴